

۱. احترام زبانی به فاسق و منافق و کافر  
 فاسق: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا سَادَ الْقَوْمَ فَاسِقُهُمْ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَدْلَهُمْ وَ أَكْرَمَ الرَّجُلُ الْفَاسِقُ فَلْيَنْتَظِرِ الْبَلَاءُ.<sup>۱</sup>  
 «هر گاه تبهکاری رئیس قوم خود شود، و رهبرشان خوارترین ایشان باشد، و مرد فاسق احترام شود، باید چشم به راه بلا بود.»
۲. منافق: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَقُولُوا لِلْمَنَافِقِ يَا سَيِّدُ فَإِنَّهُ إِنْ يَكُنْ سَيِّدَكُمْ فَقَدْ أَسْخَطْتُمُ اللَّهَ.<sup>۲</sup>  
 به منافق نگویید: «ای سرور» زیرا اگر او سرور شما باشد، خداوند را خشمگین ساخته اید!  
 کافر: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَبْدَءُوا أَهْلَ الْكِتَابِ بِالتَّسْلِيمِ وَ إِذَا سَلَّمُوا عَلَيْكُمْ فَقُولُوا وَ عَلَيْكُمْ.<sup>۳</sup>  
 با اهل کتاب آغاز بسلام نکنید، و هر گاه بشما سلام کردند شما در جواب بگوئید: "و علیکم"  
 از خدا درخواست بیجا کردن  
 وَ نَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنَّا وَعَدَدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، قَالَ يَنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطَيْتُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ، قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَ إِلَّا تَغْفِرْ لِي وَ تَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ.<sup>۴</sup>  
 نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسر من از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکم‌کنندگان برتری!» فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [فرد ناشایسته‌ای است! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من نخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!]] عرض کرد: «پروردگارا! من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود!»  
 از خدا شکوه کردن
۳. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ شَكَأ حَاجَتَهُ وَ ضَرَّهُ إِلَى كَافِرٍ أَوْ إِلَى مَنْ يَخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ فَكَأَنَّما شَكَأ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى عَدُوِّ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ.<sup>۵</sup>  
 هر مؤمنی که دست حاجت به نزد کافری و یا مخالفی (سنّی) دراز کند شکایت خدا را نزد دشمنانش برده است.
۴. اظهار پشیمانی از انجام کار نیک  
 يَقُولُ أَهْلُكَتُ مَا لَأُ لَبِّدًا<sup>۶</sup>  
 می‌گوید: مال زیادی را نابود کردم!  
 بعضی گفته‌اند: آیه ناظر به بعضی از سران قریش مانند حارث بن عامر است که مرتکب گناهی شده بود راه نجات را از پیامبر ص سؤال کرد حضرت دستور کفاره به او داد. او گفت: اموال من از آن روز که وارد دین اسلام شدم در کفارات و نفقات نابود شد!<sup>۷</sup>
۵. اظهار خشم بیجا

<sup>۱</sup> تحف العقول، النص، ص: ۳۶

<sup>۲</sup> مجموعة ورام، ج ۲، ص: ۱۱۶

<sup>۳</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۶۴۹

<sup>۴</sup> نوح: ۴۵ - ۴۷

<sup>۵</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص: ۱۴۴

<sup>۶</sup> بلد: ۶

<sup>۷</sup> تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص: ۱۲

- الإمامُ الباقرُ عليه السلام: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ.<sup>۸</sup>  
مؤمن کسی است که هر گاه به خشم آید، خشمش او را از حقگویی دور نسازد!  
۶. اظهار خواری
- قال علي عليه السلام: لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سِبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ، وَلَا يُضَارِعُ، وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ.<sup>۹</sup>  
فرمان خداوند سبحان را بر پا ندارد، جز آن کس که اهل رشوه و کوتاه آمدن نباشد، [در برابر ستمگر]  
گرنش و اظهار خواری نکند و از مطامع پیروی ننماید.  
۷. اظهار زبانی بخل
- إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مَخْتَالًا فَخَوْرًا، الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.<sup>۱۰</sup>  
خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست نمی‌دارد. آنها کسانی هستند که بخل می‌ورزند،  
و مردم را به بخل دعوت می‌کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان  
می‌نمایند.  
۸. اظهار زبانی حرص
- قال علي عليه السلام: إِظْهَارُ الْحِرْصِ يُورِثُ الْفَقْرَ.<sup>۱۱</sup>  
اظهار آزمندی نمودن، نیازمندی به بار می‌آورد.  
۹. اظهار زبانی طمع
- وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ.<sup>۱۲</sup>  
من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است!  
۱۰. اظهار زبانی حسد
- قال الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْغِيْبَةِ مُتَنَوِّعٌ بِعَشْرَةِ أَنْوَاعٍ ... وَ حَسَدٍ.<sup>۱۳</sup>  
ریشه غیبت ده چیز است ... و حسادت.  
۱۱. اظهار زبانی کبر
- قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ.<sup>۱۴</sup>  
(خداوند به شیطان) فرمود: "در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده  
کنی؟" گفت: "من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!"  
۱۲. اظهار زبانی عجب
- قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتَهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً  
وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ.<sup>۱۵</sup>  
(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمی‌دانست که  
خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب  
الهی فرا رسد، مجرمان از گناهانشان سؤال نمی‌شوند.

<sup>۸</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۲۳۴

<sup>۹</sup> نهج البلاغة: الحكمة ۱۱۰

<sup>۱۰</sup> نساء ۳۶ و ۳۷

<sup>۱۱</sup> الخصال، ج ۲، ص: ۵۰۵

<sup>۱۲</sup> شعراء: ۱۲۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰

<sup>۱۳</sup> مصباح الشریعة، ص: ۲۰۴

<sup>۱۴</sup> اعراف: ۱۲

<sup>۱۵</sup> قصص: ۷۸

۱۳. اظهار زبانی لجاجت  
 قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أُوَعِّظْتُمْ أَمْ لَمْ تُكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ.<sup>۱۶</sup>  
 آنها [قوم عاد] گفتند: «برای ما تفاوت نمی‌کند، چه ما را انداز کنی یا نکنی؛ (بیهوده خود را خسته مکن)!
۱۴. اظهار سوء ظن نابجا  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَبْنَا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا.<sup>۱۷</sup>  
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید! و بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویید: «مسلمان نیستی»
۱۵. اظهار شهوت حرام  
 وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ.<sup>۱۸</sup>  
 و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست!)» (یوسف) گفت: «پناه می‌برم به خدا! او [عزیز مصر] صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟! مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند!»
۱۶. اظهار عشق حرام  
 عَنْ مَفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعِشْقِ قَالَ قُلُوبٌ خَلَتْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ.<sup>۱۹</sup>  
 مفضل بن عمر گوید از امام صادق علیه السلام از عشق پرسیدم فرمود «دل‌هایی که از یاد خدا تهی شوند و خدا دوستی دیگری را بآنها چشانند.»
۱۷. اظهار فقر و تنگدستی کردن نابجا  
 لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا.<sup>۲۰</sup>  
 (انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندیانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته؛ و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتي بزنند؛ نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند؛ و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند؛ اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی؛ و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند.
۱۸. اظهار کسالت  
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ التَّنَاؤُبُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ الْعَطْسَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.<sup>۲۱</sup>  
 دهن دره از شیطان است و عطسه از خدای عز و جل است.

<sup>۱۶</sup> الشعراء : ۱۳۶

<sup>۱۷</sup> النساء : ۹۴

<sup>۱۸</sup> یوسف : ۲۳

<sup>۱۹</sup> الأمالی (للسدوق)، النص، ص: ۶۶۸

<sup>۲۰</sup> البقرة : ۲۷۳

<sup>۲۱</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۶۵۴

۱۹. اظهار کینه  
إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ.<sup>۲۲</sup>  
اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می‌گشایند، و دوست دارند شما به کفر بازگردید!

۲۰. اظهار ناامیدی کردن از خداوند  
يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلْمٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا، قَالَ رَبِّ أُنَى يَكُونُ لِي غُلْمٌ وَ كَأَنِّي  
أُمْرَأَتِي غَافِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا.<sup>۲۳</sup>  
ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش «یحیی» است؛ و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم! گفت: «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازا و عقیم است، و من نیز از شدت پیری افتاده شده‌ام!»

۲۱. اظهار ناشکیبایی  
وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُصِبرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ فِثَائِهَا وَ قَوْمِهَا وَ عَدْسِهَا وَ بَصَلِهَا قَالَ أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصرًا فَإِن لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسَكَنَةَ.<sup>۲۴</sup>  
و (نیز به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفاء کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می‌رویانند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آئید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد.

۲۲. قصه گویی‌های بی حکمت  
رَوَى أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ رَأَى يَوْمًا الْحَسَنَ الْبَصْرِيَّ وَ هُوَ يَقْصُ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لَهُ أ تَرْضَى يَا حَسَنُ نَفْسَكَ لِلْمَوْتِ قَالَ لَا قَالَ فَعَمَلَكَ لِلْحِسَابِ قَالَ لَا قَالَ فَتَمَّ دَارٌ لِلْعَمَلِ غَيْرِ هَذِهِ الدَّارِ قَالَ لَا قَالَ فَلِلَّهِ فِي أَرْضِهِ مَعَادٌ غَيْرُ هَذَا الْبَيْتِ قَالَ لَا قَالَ فَلِمَ تَشْغَلُ النَّاسَ عَنِ الطَّوَّافِ.<sup>۲۵</sup>  
حسن بصری نزدیک حجرالاسود نشسته و به افسانه سرایی پرداخته و عده‌ای از مردم را گرد خود جمع کرده بود. حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام از آنجا عبور کرد خطاب به وی فرمود: ای حسن! به مرگ تن می‌دهی؟ گفت: نه، فرمود آیا این طرزی که فعلاً پیش گرفته‌ای برای بهره‌وری از حساب روز قیامت است. گفت: نه، فرمود: آیا آخرت خانه عمل است که اگر در این عالم کاری نکرده‌ای جبرانش را در آنجا بتوانی بکنی؟ گفت: نه، فرمود: آیا روزی زمین پناهگاهی به غیر این خانه و کامیابی از پناه گاه الهی باز داشته‌ای.

۲۳. افشاء سر  
إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.<sup>۲۶</sup>  
کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید!

<sup>۲۲</sup> ممتحنه: ۲

<sup>۲۳</sup> مریم: ۷ و ۸

<sup>۲۴</sup> بقره: ۶۱

<sup>۲۵</sup> إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة)، النص، ص: ۲۶۰

<sup>۲۶</sup> النور: ۱۹

۲۴. با دشمنان خدا اظهار دوستی کردن  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ<sup>۲۷</sup>
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند. و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانایم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (۱)
۲۵. با زن نامحرم شوخی کردن  
 قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ فَآكَةَ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حُبْسَ بَكْلٍ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ فِي النَّارِ<sup>۲۸</sup>
- کسی که با زنی نامحرم شوخی و مزاح کند، به ازای هر کلمه‌ای که بر زبان آورده باشد هزار سال او را نگاه دارند.
۲۶. با صدای بلند نزد معصوم سخن گفتن (طوری که بی احترامی به ایشان باشد)  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ<sup>۲۹</sup>
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد زنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبدا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید!
۲۷. به پدر و مادر آف گفتن  
 وَقَضَىٰ رَبِّيكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا<sup>۳۰</sup>
- و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو!
۲۸. به ناحق شهادت دادن  
 (عباد الرحمن) ... وَ الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ<sup>۳۱</sup>
- بندگان رحمان کسانی هستند که شهادت به باطل نمی‌دهند.
۲۹. پاسخ دادن به سؤالی که از دیگری شده است!  
 قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تُعْرَفُ حَمَاقَةُ الرَّجُلِ فِي ثَلَاثٍ فِي كَلَامِهِ فِيمَا لَا يَغْنِيهِ وَ جَوَابِهِ عَمَّا لَا يُسْأَلُ عَنْهُ وَ تَهَوُّرِهِ فِي الْأُمُورِ<sup>۳۲</sup>

<sup>۲۷</sup> الممتحنة: ۱

<sup>۲۸</sup> ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۲۸۳

<sup>۲۹</sup> حجرات: ۲

<sup>۳۰</sup> الإسراء: ۲۳

<sup>۳۱</sup> فرقان: ۷۲

<sup>۳۲</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۷۷

حماقت فرد در سه چیز مشخص می‌شود: در سخن گفتن در موضوعاتی که به او ربطی ندارد، پاسخ دادن به سؤالی که از او نشده است، گستاخ بودنش در کارها.

۳۰.

تلاوت غنایی قرآن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحْنِ الْعَرَبِيِّ وَاصْوَانِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلِحْنِ أَهْلِ الْفُسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَايَرِ فَإِنَّهُ سَبَجِيٌّ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيحَ الْغِنَاءِ وَالتَّوْحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ لَا يَجُوزُ تَرَاقِيَهُمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَقُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ.<sup>۳۳</sup>

قرآن را با لحنها و آواز عرب بخوانید، و از لحن فاسقان و گنهکاران دوری کنید، زیرا پس از من مردمانی بیابند که قرآن را در گلو بچرخانند، مانند خوانندگی و نوحه‌خوانی و خواندن کشیشان، که از گلوی آنها نگذرد (یعنی مقبول درگاه خداوند واقع نگردد- از مجلسی ره) دل‌های ایشان وارونه است، و هر که از آنها خوشش آید نیز دلش وارونه است.

پیشگویی و کهنانت

۳۱.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْكَاهِنُ مُلْعُونٌ.<sup>۳۴</sup>

پیش گو از رحمت خدا دور است!

تحقیر دیگران

۳۲.

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ، قَالَ لِمَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ، قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ.<sup>۳۵</sup>

(خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چرا با سجده کنندگان نیستی؟!» گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده‌ای، سجده نخواهم کرد!» فرمود: «از صف آنها [فرشتگان] بیرون رو، که رانده‌شده‌ای (از درگاه ما!).»

تفسیر به رأی کردن قرآن

۳۳.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ، مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ، وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ، فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ، ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ.<sup>۳۶</sup>

او است آنکه کتاب را بر تو فرو فرستاد: قسمتی از آن آیه‌های محکم است که آنها «أُمُّ الْكِتَابِ» اساس قرآن است، و قسمت دیگر آیه‌های متشابه؛ پس کسانی که در دل‌هایشان میل به باطل است، برای فتنه‌جویی و تأویل‌گرایی، در پی متشابهات می‌روند.

چاپلوسی

۳۴.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَثْرَةُ الثَّنَاءِ مَلَقٌ، يُحْدِثُ الزَّهْوَ وَيُدْنِي مِنَ الْغَرَّةِ.<sup>۳۷</sup>

ستودن زیاد، چاپلوسی‌ای است که غرور می‌آورد و تکبر به هم می‌رساند.

چون و چرا کردن در کار خدا

۳۵.

لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ.<sup>۳۸</sup>

هیچ کس نمی‌تواند بر کار او خرده بگیرد؛ ولی در کارهای آنها، جای سؤال و ایراد است!

چون و چرا کردن در کار انبیاء

۳۶.

الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۶۱۴<sup>۳۳</sup>

الخصال، ج ۱، ص: ۲۹۷<sup>۳۴</sup>

الحجر: ۳۲ - ۳۴<sup>۳۵</sup>

آل عمران: ۷<sup>۳۶</sup>

تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۴۶۶<sup>۳۷</sup>

الأنبياء: ۲۳<sup>۳۸</sup>

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا، قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَيْكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا، قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا، وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا، قَالَ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا، قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا.<sup>٣٩</sup>

(در آن جا) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» گفت: «تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی!

و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی شکیبا باشی؟! (موسی) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت؛ و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد!» (خضر) گفت: «پس اگر می‌خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز مپرس تا خودم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.»  
 خصومت (درگیری لفظی) .۳۷

عن غياث بن ابراهيم: كان أبو عبد الله عليه السلام إذا مرَّ بجماعةٍ يختصمون لا يجوزهم حتى يقول ثلاثاً: اتقوا الله، يرفعُ بها صوتَهُ.<sup>٤٠</sup>

غیاث بن ابراهیم:- امام صادق علیه السلام هرگاه بر گروهی می‌گذشت که مشغول مشاجره کردن بودند، از آنها رد نمی‌شد، مگر آن که سه بار با صدای بلند می‌فرمود: از خدا بترسید.

خواندن شعر بدون حکمت .۳۸  
 وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ، أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ، وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ، إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.<sup>٤١</sup>

شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ و سخنانی می‌گویند که (به آنها) عمل نمی‌کنند؟! مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشان (و مؤمنان) برمی‌خیزند (و از شعر در این راه کمک می‌گیرند)؛ آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست!

تضعیف مسلمین .۳۹  
 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تظَلَمُونَ فَتِيلًا<sup>٤٢</sup>

آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد: «فعلا) دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (اما آنها از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند، همان گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمايه زندگي دنيا، ناچيز است! و سراي آخرت، براي كسي كه پرهيزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شكاف هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد!

خودستایی نابجا .۴۰

<sup>٣٩</sup> كهف: ٦٥ - ٧٠

<sup>٤٠</sup> الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٥، ص: ٥٩

<sup>٤١</sup> شعرا: ٢٢٤ - ٢٢٧

<sup>٤٢</sup> النساء: ٧٧

هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى.<sup>۴۳</sup>

او نسبت به شما از همه آگاهتر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و در آن موقع که بصورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید؛ پس خودستایی نکنید، او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد! درگوشی سخن گفتن که موجب اندوه نفر سوم شود!

۴۱. إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا.<sup>۴۴</sup>  
نجوا تنها از سوی شیطان است؛ می‌خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند!

۴۲. دَرُوعٌ  
لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَ سَفَرًا قاصِداً لَاتَّبَعُوكَ وَ لَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشَّقَّةُ وَ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ<sup>۴۵</sup>  
(اما گروهی از آنها، چنانند که) اگر غنایمی نزدیک (و در دسترس)، و سفری آسان باشد، (به طمع دنیا) از تو پیروی می‌کنند؛ ولی (اکنون که برای میدان تبوک، راه بر آنها دور (و پر مشقت) است، (سرباز می‌زنند) و بزودی به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «اگر توانایی داشتیم، همراه شما حرکت می‌کردیم!» (آنها با این اعمال و این دروغها، در واقع) خود را هلاک می‌کنند؛ و خداوند می‌داند آنها دروغگو هستند!

۴۳. دَرُوعٌ بَسْتَنَ بِهٖ خَدَاوَنَدُ  
أَنْظُرُ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ كَفَىٰ بِهٖ إِثْمًا مُّبِينًا.<sup>۴۶</sup>  
بین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند! و همین گناه آشکار، (برای مجازات آنان) کافی است.

۴۴. تَهْمَتٌ  
وَ اسْتَبَقَا الْبَابَ وَ قَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ أَلْفَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسَجَّنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ<sup>۴۷</sup>  
و هر دو به سوی در، دویدند (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می‌کرد)؛ و پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتند! آن زن گفت: «کیفر کسی که بخواهد نسبت به اهل تو خیانت کند، جز زندان و یا عذاب دردناک، چه خواهد بود؟!»

۴۵. دَشْنَامٌ  
عَنْ عِيَاضِ بْنِ حَمَادٍ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، الرَّجُلُ مِنْ قَوْمِي يَسُبُّنِي وَهُوَ دُونِي فَهَلْ عَلَيَّ بَأْسٌ أَنْ أَنْتَصِرَ مِنْهُ؟ فَقَالَ: الْمُسَابَاتِنُ شَيْطَانَانِ يَتَعَاوَيَانِ وَيَتَهَاتَرَانِ.<sup>۴۸</sup>

عیاض بن حماد: عرض کردم: ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد، مردی از قوم و قبیله من که از من دون پایه‌تر است، به من ناسزا می‌گوید، آیا اشکال دارد من هم به تلافی این کار، او را دشنام دهم؟  
پیامبر فرمود: «دو کس که یکدیگر را ناسزا گویند، دو شیطانند که به یکدیگر پارس می‌کنند و به جان هم می‌افتند.»  
۴۶. لعن و نفرین (نابجا)

<sup>۴۳</sup> النجم: ۳۲

<sup>۴۴</sup> المجادلة: ۱۰

<sup>۴۵</sup> التوبة: ۴۲

<sup>۴۶</sup> النساء: ۵۰

<sup>۴۷</sup> يوسف: ۲۵

<sup>۴۸</sup> مجموعة ورام، ج ۱، ص: ۱۱۱



قال الباقر عليه السلام: إن اللعنة إذا خرّجت من صاحبها تردّدت بينه وبين الذي يُلعن، فإن وجدت مساعاً وإلا عادت إلى صاحبها وكان أحقّ بها، فاحذروا أن تلعنوا مؤمناً فيحِلّ بكم.<sup>٤٩</sup>  
 چون لعنت از دهان لعنتگر بیرون آید میان او و کسی که لعنت شده است، مردد می ماند؛ اگر راه و مجوّزی برای رفتن به سوی لعنت شده نیافت به سوی لعنت کننده برمی گردد که او به آن سزاوارتر است. پس، از لعنت کردن مؤمن پرهیزید، که به خودتان برمی گردد.

.٤٧

دعا برای ماندگاری ستمگران  
 قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ دَعَا لِظَالِمٍ بِالْبِقَاءِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ.<sup>٥٠</sup>  
 هر کس برای ماندگاری ستمگر دعا کند، دوست دارد که خداوند در زمین، نافرمانی شود.

.٤٨

راز خود را بی جهت بی دیگری گفتن  
 قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سِرٌّ سُرُورٌ إِنْ كَتَمْتَهُ، وَإِنْ أَدَعَيْتَهُ كَانَ تُبُورَك.<sup>٥١</sup>  
 راز تو، مایه شادی توست، اگر پنهانش داری و سبب هلاکت توست، اگر آن را فاش سازی.

.٤٩

ربای زبانی  
 عَنْ جَمِيلٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامَ عَنِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَلَا تَزْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ أَتَقَى فَقَالَ هُوَ قَوْلُ الْإِنْسَانِ صَلَّى الْبَارِحَةَ وَصُمْتُ أَمْسَ وَنَحْوُ هَذَا ثُمَّ قَالَ عَ إِنْ قَوْمًا كَانُوا يُصْبِحُونَ فَيَقُولُونَ صَلَّى الْبَارِحَةَ وَصُمْنَا أَمْسَ فَقَالَ عَلِيُّ عَ لَكِنِّي أَنَامُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ لَوْ أَجِدُ بَيْنَهُمَا شَيْئًا لَنِمْنْتُهُ.<sup>٥٢</sup>

جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که: تفسیر فرموده خداوند عزّ و جلّ فلا تزکوا أنفسکم هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ أَتَقَى (پس خودستائی نکنید؛ خدا داناتر است به آن کس که پرهیزکار گردد و در عمل اخلاص داشته باشد- نجم: ٣٢) چیست؟ فرمود: آن است که انسان بگوید: دیشب نماز شب خواندم، و دیروز روزه دار بودم، و مانند اینها، بعد امام علیه السلام فرمود: گروهی هستند که چون صبح بیرون آیند، می گویند: دیشب نماز خواندیم و دیروز روزه گرفتیم. پس حضرت علیّ علیه السلام فرمود: لکن من شب و روز می خوابم و اگر میان روز و شب زمانی می یافتم، در آن هم می خوابیدم.

.٥٠

تمسخر  
 إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ.<sup>٥٣</sup>

بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندیدند، و هنگامی که از کنارشان می گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می کردند، و چون به سوی خانواده خود بازمی گشتند مسرور و خندان بودند، و هنگامی که آنها را می دیدند می گفتند: «اینها گمراهانند!»

.٥١

سخن بدون علم  
 لِمَ تَحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ.<sup>٥٤</sup>  
 چرا بحث می کنید در موضوعی که به آن علم ندارید؟!

.٥٢

سخن بدون فکر  
 قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ.<sup>٥٥</sup>

<sup>٤٩</sup> قرب الإسناد (ط - الحديثة)، متن، ص: ١٠

<sup>٥٠</sup> إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ١، ص: ٧٦.

<sup>٥١</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ٣٢٠

<sup>٥٢</sup> الزهد، النص، ص: ٦٦

<sup>٥٣</sup> المطففین : ٢٩ - ٣٢

<sup>٥٤</sup> آل عمران: ٦٦

زبان خردمند، در پس دل اوست و دل نابخرد، در پس زبان او.

۵۳.

سخن بی فایده زیاد

قال علی علیه السلام: کَثْرَةُ الْهَذَرِ يَكْسِبُ الْعَارَ.<sup>۵۶</sup>

بیهوده گویی زیاد، ننگ و عار به بار می آورد.

۵۴.

سخن چینی

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ بَيْنُكُمْ الْفِتْنَةَ وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ.<sup>۵۷</sup>

اگر [هم] با شما بیرون می آمدند، جز شرّ و فساد به شما نمی افزودند و مسلماً خود را برای سخن چینی [و تمامی] در میان شما قرار می دادند تا [برای از هم گسستن شیرازه سپاه اسلام] فتنه جویی کنند و در میان شما جاسوسانی برای آنان هستند [که به نفعشان خبر چینی می کنند]؛ و خدا به ستمکاران داناست.

۵۵.

سخنی بر خلاف تقیه گفتن

قال الصادق علیه السلام- فی وصیّته لأبی جعفر محمد بن النعمان الأحول-: یا ابن النعمان، إذا كانت دولة الظلم فامش واستقبل من تتقيه بالتحية، فإن المتعرض للدولة قاتل نفسه وموبقها، إن الله يقول: «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»<sup>۵۸</sup>

امام صادق علیه السلام- در سفارش خود به محمد بن نعمان - فرمود: ای پسر نعمان! هرگاه دولت ظلم روی کار بود، راه برو و با کسی که از او تقیه می کنی با سلام و تحیت برخورد کن؛ زیرا کسی که متعرض [این] دولت شود قاتل و هلاک کننده خود باشد. خداوند می فرماید: «و خود را با دستهایت با هلاکت نیندازید».

۵۶.

پریدن بین سخن دیگران

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ عَرَضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ الْمُتَكَلِّمِ فِي حَدِيثِهِ فَكَأَنَّمَا حَدَشَ وَجْهَهُ.<sup>۵۹</sup>

هر کس در میان سخن برادر مسلمانش [که مشغول سخن گفتن است] بدود و سخن او را ببرد مانند این است که روی او را خراشیده است.

۵۷.

سخن گفتن هنگام قرائت قرآن

وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.<sup>۶۰</sup>

هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید!

۵۸.

سعایت (گزارش بر علیه مؤمن نزد ظالم دادن)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ رَوَعَ مُؤْمِنًا بِسُلْطَانٍ لِيُصِيبَهُ مِنْهُ مَكْرُوهٌ فَلَمْ يُصِيبْهُ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ مَنْ رَوَعَ مُؤْمِنًا بِسُلْطَانٍ لِيُصِيبَهُ مِنْهُ مَكْرُوهٌ فَأَصَابَهُ فَهُوَ مَعَ فِرْعَوْنَ وَ آلِ فِرْعَوْنَ فِي النَّارِ.<sup>۶۱</sup>

کسی که مؤمنی را از سلطانی بترساند باینکه از جانب آن سلطان بدی باو میرسد و نرسد او در آتش است، و اگر بترساند او را باینکه از سلطانی باو بدی میرسد و برسد با فرعون و پیروان فرعون در آتش است.

<sup>۵۵</sup> نهج البلاغة: الحكمة ۴۰

<sup>۵۶</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۱۴

<sup>۵۷</sup> توبه: ۴۷

<sup>۵۸</sup> تحف العقول، النص، ص: ۳۰۹

<sup>۵۹</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۶۶۰

<sup>۶۰</sup> الأعراف: ۲۰۴

<sup>۶۱</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۶۸

۵۹. قسم خوردن غیر ضروری  
قال رسول الله صلى الله عليه و آله: يا علي، لا تحلف بالله كاذباً ولا صادقاً من غير ضرورة، ولا تجعل الله عرضة ليمينك؛ فإن الله لا يرحم ولا يرعى من حلف باسمه كاذباً.<sup>۶۲</sup>  
ای علی! چنانچه ضرورتی در میان نباشد، نه به راست و نه به دروغ، به خدا سوگند مخور و خدا را دستاویز سوگند خود قرار مده؛ زیرا خداوند به کسی که سوگند دروغ به نام او یاد کند، رحم نمی‌کند و از او مراقبت نمی‌نماید.
۶۰. شوخی زیاد  
قال علي عليه السلام: كثرة المزاح تذهب البهاء، وتوجب الشحناء.<sup>۶۳</sup>  
شوخی زیاد، ارج و احترام را می‌برد و موجب دشمنی می‌شود.
۶۱. تجسس نابجا  
يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثمٌ ولا تحسسوا.<sup>۶۴</sup>  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید!
۶۲. طرح سؤالاتی که پاسخش ناخوشایند است!  
يا أيها الذين آمنوا لا تسئلوا عن أشياء إن تبد لكم تسؤكم.<sup>۶۵</sup>  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می‌کند!
۶۳. طعن و شماتت (و سرزنش)  
قال علي عليه السلام: إياك أن تكرر العتب؛ فإن ذلك يغرى بالذنب، ويهون العتب.<sup>۶۶</sup>  
از سرزنش کردنهای مکرر بپرهیز؛ زیرا این کار بر گناه [و خلافکاری] جری می‌کند و سرزنش را بی‌ارزش می‌سازد.
۶۴. طلب مغفرت برای منافقین و کفار  
منافقين: استغفر لهم أو لا تستغفر لهم إن تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم ذلك بانهم كفروا بالله و رسوله و الله لا يهدي القوم الفاسقين.<sup>۶۷</sup>  
چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند؛ و خداوند جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند!  
کفار: ما كان للنبي و الذين آمنوا أن يستغفروا للمشركين و لو كانوا أولي قربى من بعد ما تبين لهم أنهم أصحاب الجحيم.<sup>۶۸</sup>  
برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند؛ (آن هم) پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه، اهل دوزخند!
۶۵. عذر تراشی برای ظلم ظالمان

<sup>۶۲</sup> تحف العقول، النص، ص: ۱۴

<sup>۶۳</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۲

<sup>۶۴</sup> الحجرات: ۱۲

<sup>۶۵</sup> مائده: ۱۰۱

<sup>۶۶</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۳

<sup>۶۷</sup> التوبة: ۸۰

<sup>۶۸</sup> توبه: ۱۱۳

وَلَا تَجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا.<sup>٦٩</sup>  
و از آنها که به خود خیانت کردند، دفاع مکن! زیرا خداوند، افراد خیانت‌پیشه گنهکار را دوست ندارد.  
غنا

٦٦

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ.<sup>٧٠</sup>

و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است!  
سُئِلَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است!) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ الْغِنَاءُ لَقَدْ تَوَاعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ بِالنَّارِ.  
از امام صادق علیه السلام در باره آیه فوق سؤال شد حضرت فرمود: امام باقر علیه السلام فرمود: آن غنا است که خداوند وعده آتش بر آن داده است!

غیبت

٦٧

لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ.<sup>٧١</sup>

هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

غیر خدا را پرستش کردن

٦٨

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَ مَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَ مَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ.<sup>٧٢</sup>  
دعوت حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی‌گویند! آنها همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می‌گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید! و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست!

فال بد زدن

٦٩

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ، قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أ إِن دُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ.<sup>٧٣</sup>

آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته‌ایم (و وجود شما را شوم می‌دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید! (رسولان) گفتند: «شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید، بلکه شما گروهی اسرافکارید!»

قذف (نسبت زنا و یا لواط دادن)

٧٠

وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.<sup>٧٤</sup>

<sup>٦٩</sup> النساء : ١٠٧

<sup>٧٠</sup> لقمان : ٦

<sup>٧١</sup> الحجرات: ١٢

<sup>٧٢</sup> الرعد : ١٤

<sup>٧٣</sup> یس : ١٨ و ١٩

- و کسانی که به زنان شوهردار نسبت زنا می دهند، سپس چهار گواه نمی آورند، هشتاد تازیانه به آنان برزید. و هیچ گاه شهادتی از آنها نپذیرید و اینانند که خود فاسقانند
۷۱. کفران زبانی نعمت  
يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ.<sup>۷۵</sup>  
آنها نعمت خدا را می شناسند؛ سپس آن را انکار می کنند؛ و اکثرشان کافرند!
۷۲. گفتن سخنان کفر آمیز  
إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا.<sup>۷۶</sup>  
کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می کنند، و می خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می گویند: «به بعضی ایمان می آوریم، و بعضی را انکار می کنیم» و می خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند.
۷۳. گفتن سخنان شرم آور  
قال علي عليه السلام: مَنْ صَحِبَهُ الْحَيَاءُ فِي قَوْلِهِ زَائِلَةٌ الْخَنَى فِي فِعْلِهِ.<sup>۷۷</sup>  
هر که حیا در گفتار همراه او باشد جدا شود از کردارش فساد.
۷۴. مذمت بیجا  
الإمام علي عليه السلام: إِذَا ذَمَمْتَ فَاقْتَصِرْ.<sup>۷۸</sup>  
هرگاه نکوهیدی کوتاه کن.
۷۵. مراء و جدل  
كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا.<sup>۷۹</sup>  
انسان بیش از هر چیز، به مجادله می پردازد!
۷۶. مشورت غیر خیر خواهانه دادن  
الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اسْتَشَارَ أَخَاهُ فَلَمْ يَنْصَحْهُ مَخْضَ الرَّأْيِ سَلَبَهُ اللَّهُ رَأْيَهُ.<sup>۸۰</sup>  
هر که با برادر خود مشورت کند و او خالصانه راهنماییش نکند، خداوند اندیشه او را از وی بگیرد.
۷۷. منت گذاردن  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى.<sup>۸۱</sup>  
ای کسانی که ایمان آورده اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید!
۷۸. با القاب زشت دیگران را خواندن  
لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ.<sup>۸۲</sup>

<sup>۷۴</sup> النور: ۴

<sup>۷۵</sup> النحل: ۸۳

<sup>۷۶</sup> النساء: ۱۵۰

<sup>۷۷</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۵۷

<sup>۷۸</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۳

<sup>۷۹</sup> الکهف: ۵۴

<sup>۸۰</sup> المحاسن، ج ۲، ص: ۶۰۲  
<sup>۸۱</sup> بقره: ۲۶۴

<sup>۸۲</sup> الحجرات: ۱۱

یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید!

۷۹. فریب

قال علی علیه السلام: لولا أن المکر والخديعة في النار لكنت أمكر الناس.<sup>۸۳</sup>  
اگر نبود که نیرنگ و فریبکاری در آتشند، بی گمان من مکارترین مردم بودم.

۸۰. وسوسه

قال علی علیه السلام: من أعظم المکر تحسین الشر.<sup>۸۴</sup>  
از بزرگترین نیرنگ‌ها، خوب جلوه دادن بدی است.

۸۱. وعده دروغ دادن

يأيتها الذين آمنوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرُ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.<sup>۸۵</sup>  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید!

۸۲. ادعای گناه نکرده

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا.<sup>۸۶</sup>  
و گفتارشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند؛ و قطعاً او را نکشتند!

۸۳. ایجاد شبهه اعتقادی

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَلْنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.<sup>۸۷</sup>  
و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید!»، کافران به مؤمنان می‌گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست او را اطعام می‌کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید!»

۸۴. ایمنی از مکر خداوند

وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.<sup>۸۸</sup>

و گفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته‌اید؟! - و خداوند هرگز از پیمان‌ش تخلف نمی‌ورزد- یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟!»

۸۵. بدعت

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لِيَتَفَتَّرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ.<sup>۸۹</sup>

<sup>۸۳</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۳۶

<sup>۸۴</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۹۱

<sup>۸۵</sup> صف: ۲ و ۳

<sup>۸۶</sup> النساء: ۱۵۷

<sup>۸۷</sup> یس: ۴۷

<sup>۸۸</sup> البقرة: ۸۰

<sup>۸۹</sup> النحل: ۱۱۶

به خاطر دروغی که بر زبانتان جاری می‌شود (و چیزی را مجاز و چیزی را ممنوع می‌کنید)، نگویید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا ببندید به یقین کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، رستگار نخواهند شد!

۸۶. اظهار تعجب از قدرت خداوند

قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ، قَالُوا أُوَيْعِبِينَ مِنَ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ.<sup>۹۰</sup>

(ساره همسر ابراهیم) گفت: «ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم در حالی که پیر زنم، و این شوهرم پیر مردی است؟! این راستی چیز عجیبی است!» گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب میکنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛ چرا که او ستوده و والا است!»

۸۷. گناه خود را بر گردن دیگری انداختن

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلُ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَأَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أ نَحْنُ صَدَقْنَاكُمْ عَنِ الْهَدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُحْزَنُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.<sup>۹۱</sup>

کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد!» اگر بینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) نگه داشته شده‌اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد (از وضع آنها تعجب می‌کنی)! مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم!» (اما) مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد (و آن را بخوبی دریافتید)؟! بلکه شما خود مجرم بودید!» و مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «وسوسه‌های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و همتیانی برای او قرار دهیم!» و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند پشیمانی خود را پنهان می‌کنند (تا بیشتر رسوا نشوند)! و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می‌نهمیم؛ آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آنها جزا داده می‌شود؟!

۸۸. تفاخر

وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَغْزَىٰ نَفْرًا.<sup>۹۲</sup>

صاحب این باغ، درآمد فراوانی داشت؛ به همین جهت، به دوستش - در حالی که با او گفتگو می‌کرد - چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرات نیرومندترم!»

۸۹. نیشدار سخن گفتن

قال علي عليه السلام: رَبُّ كَلَامٍ كَلَامٍ.<sup>۹۳</sup>

بسا سخنی که زخمی عمیق وارد می‌آورد.

<sup>۹۰</sup> هود: ۷۲ و ۷۳

<sup>۹۱</sup> سبأ: ۳۱ - ۳۳

<sup>۹۲</sup> الکهف: ۳۴

<sup>۹۳</sup> تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۱۲